

سیاست خارجی ایران و چالش‌های فراروی ایران در حوزه اکو

حمید احمدی*

فهیمة سردشتی**



چکیده

به دنبال تلاش‌های بین‌المللی و منطقه‌ای به منظور بی‌اعتمادسازی کشورهای حوزه خلیج فارس به ایران و در نتیجه سردی روابط میان طرفین، جمهوری اسلامی تلاش کرده تا با اتخاذ سیاست نگاه به شرق، منافع ملی خود را در ارتباط با کشورهای حوزه اقیانوس هند، آسیای میانه و قفقاز جستجو کند. اگرچه مشابهت‌های فرهنگی، زبانی و مذهبی موجب افزایش توانایی‌ها و ظرفیت‌های این حوزه (حوزه اکو) می‌شود، اما جمهوری اسلامی در این رابطه با دشواری‌هایی نیز روبه‌روست. در این پژوهش و در پاسخ به این پرسش که چالش‌های فراروی

*. استاد علوم سیاسی دانشگاه تهران.

** دانشجوی دکتری روابط بین الملل دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران.
(نویسنده مسئول: fa.sardashti@yahoo.com)

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۲/۲۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۹/۳

فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره نخست، شماره شانزدهم، صص ۷۲ - ۴۳.

جمهوری اسلامی ایران در دستیابی به اهداف سیاست خارجی در حوزه اکو چیست؟، نویسندگان این فرضیه را ارائه داده‌اند که جمهوری اسلامی ایران به منظور تأمین اهداف سیاست خارجی خود در حوزه اکو با چالش‌های منطقه‌ای (پان‌ترکیسم، اسلام‌سلفی) و فرامنطقه‌ای (ایران‌هراسی) روبه‌رو است.

واژه‌های کلیدی: سیاست خارجی ایران، حوزه اکو، پان‌ترکیسم، اسلام‌سلفی، ایران‌هراسی.



مقدمه

به دنبال پیروزی انقلاب اسلامی ایران و در نتیجه تغییر و تحول اساسی در سیاست خارجی ایران نسبت به نظام بین‌الملل، شاهد دگرگونی در روابط ایران با کشورهای دیگر بوده‌ایم. از آن جایی که جمهوری اسلامی ایران همواره بر مبارزه با استکبار جهانی تأکید داشته و کمک به ملت‌های مظلوم و ستمدیده را سرلوحه سیاست خارجی خود قرار داده است، آمریکا و کشورهای غربی در برابر چالش صدور ارزش‌های انقلاب اسلامی مبادرت به مبارزه با آن کرده‌اند. به همین خاطر، طی سه دهه گذشته تلاش‌های بسیاری به‌منظور مقابله با ایران و در نتیجه انزوای این کشور صورت گرفت. آمریکا در این رابطه تلاش کرد تا کشورهای حوزه خلیج فارس را نسبت به تهدید انقلاب اسلامی تهییج و تحریک کند. از سوی دیگر، به‌دنبال تلاش‌های ایران به‌منظور کسب فن‌آوری هسته‌ای و گسترش این ذهنیت از سوی غرب که ایران در پی دستیابی به سلاح هسته‌ای می‌باشد، بی‌اعتمادی میان ایران و کشورهای حوزه خلیج فارس رو به گسترش گذاشت. با این وصف، به‌رغم تلاش‌های جمهوری اسلامی ایران به‌منظور برقراری روابط نزدیک‌تر با کشورهای حوزه خلیج فارس، این روابط بیشتر رو به سردی گرایید و طی سال‌های اخیر شاهد چرخشی اساسی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بودیم که از آن با عنوان سیاست «نگاه به شرق» یاد شد. این سیاست در اوائل دهه ۱۳۸۰ شمسی مطرح شد، و هدف از آن ایجاد روابط نزدیک‌تر با چین، هند، روسیه و دیگر کشورهای هم‌فکر در آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین بود (Saghafi Ameri, 2009: 136). استقلال کشورهای آسیای میانه و قفقاز که از مشابهت‌های بسیار فرهنگی، زبانی و مذهبی با ایران برخوردار بودند زمینه‌ساز تسهیل در این سیاست شد، و این امکان را فراهم کرد تا جمهوری اسلامی ایران به گسترش حوزه نفوذ خود در این کشورها بپردازد. بدیهی است که در این راستا همسایگان بخش شرقی،

شمالی و شمال شرقی ایران که از ظرفیت بیش‌تری برخوردار بوده‌اند، مورد توجه خاص قرار گرفته‌اند. از آن‌جایی که تمامی آن‌ها در سازمان همکاری اقتصادی (اکو)^۱ عضویت دارند در این پژوهش از آن‌ها با عنوان کشورهای حوزه آکو یاد می‌شود. حوزه آکو از پتانسیل بسیار بالایی به‌منظور تأمین اهداف سیاست خارجی ایران برخوردار می‌باشد و جایگاه ویژه ایران در منطقه بستر مناسبی به‌منظور ارتقاء وضعیت اقتصادی و هم‌چنین بهبود جایگاه منطقه‌ای ایران با استفاده از امکانات این حوزه فراهم می‌کند. اما به‌رغم تمامی این ویژگی‌ها جمهوری اسلامی ایران در این خصوص با موانع و مشکلاتی نیز مواجه است که در این پژوهش تحت عنوان چالش‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرد. نویسندگان به‌منظور پاسخ‌گویی به این سؤال که چالش‌های فراروی جمهوری اسلامی ایران در تأمین اهداف سیاست خارجی در حوزه آکو چه می‌باشد؟ این فرضیه را مطرح می‌کنند که با توجه به ابعاد هویتی جمهوری اسلامی ایران (اسلامی، ایرانی، انقلابی و غیر متعهد بودن) این کشور با رقبایی در دو سطح منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای مواجه می‌باشد. در بخش منطقه‌ای؛ پان ترکیسم و اسلام سلفی و در بخش فرامنطقه‌ای؛ ایران هراسی عمده‌ترین چالش‌های فراروی جمهوری اسلامی ایران به‌شمار می‌رود.

۱. چالش‌های منطقه‌ای

۱-۱. ترکیه و گسترش پان ترکیسم

فروپاشی شوروی عاملی شد تا ترکیه جایگاه خود را در نظام بین‌الملل بازتعریف کند. با روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه و اتخاذ رویکرد «عمق استراتژیک» که براساس آن عمق جغرافیایی و تاریخی در بازتعریف جایگاه ترکیه در عرصه بین‌الملل نقش به‌سزایی دارد، و ترکیه بنا به دلایل تاریخی و فرهنگی از مسئولیت ویژه‌ای در قبال مردمان کشورهای همسایه‌اش برخوردار بوده و در این راستا باید از رویکرد منطقه‌ای فعالانه‌ای بهره‌جوید، نخبگان سیاسی ترکیه تصمیم گرفتند تا برای نیل به این هدف گام‌هایی را در جهت احیای هم‌گرایی ترکیه با کشورهای حوزه تمدنی خود بردارند (نظرپور و موسوی، ۱۳۹۲: ۷۸). به‌منظور دستیابی به این منظور ترکیه اقداماتی در سه زمینه سیاسی، اقتصادی و فرهنگی انجام داده است.

1. Economic Cooperation Organization (ECO)

سیاست خارجی پسا ناتو. پس از حذف تهدید شوروی، به نظر می‌رسید که عضویت آنکارا در ناتو (به‌عنوان ائتلاف نظامی غرب) کمتر تأمین‌کننده نیازهای محیط امنیتی جدید ترکیه است. ترکیه به تدریج تشخیص داد که ناتو نمی‌تواند همواره به چالش‌های امنیتی محیط پیرامون این کشور پاسخ‌هایی مؤثر دهد. در دهه ۱۹۹۰ ترکیه تمایل داشت به دلیل تغییرات در محیط استراتژیک نقش خود را در سیاست‌های جهانی بازتعریف کند و از فرصت‌های جدید برای گسترش نفوذ خود در جمهوری‌های شوروی سابق در آسیای مرکزی و قفقاز بهره‌برد. اسماعیل جم، وزیر خارجه پیشین ترکیه و نخبگان سیاست خارجی این کشور تصویری از ترکیه ارائه دادند که مطابق آن ترکیه به لحاظ جغرافیایی در مرکز اوراسیا قرار گرفته و اعمال نفوذ سیاسی آن فراقاره‌ای است. علت اصلی به‌کارگیری مفهوم ژئوپلیتیک اوراسیا، محوریت ترکیه در سیاست‌های جهانی بود (انبار، ۱۳۸۸: ۲۵۴ و ۲۵۵). به همین خاطر، با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی ترکیه تلاش‌های خود را در زمینه نفوذ در این منطقه آغاز کرد. ترکیه جزء اولین کشورهای بود که استقلال کشورهای تازه استقلال‌یافته اتحاد جماهیر شوروی را به رسمیت شناخت. هم‌چنین علاوه بر دعوت از این کشورها برای آمدن به جمهوری آذربایجان به منظور پیوستن به توافق منطقه همکاری اقتصادی دریای سیاه، در فوریه ۱۹۹۲ با موفقیت وارد ساختن این کشورها در سازمان همکاری اقتصادی را پیشنهاد کرد و در همان ماه، سازمان امنیت و همکاری اروپا را به پیشنهاد عضویت آن‌ها متقاعد ساخت و برای پذیرش آن‌ها در سازمان ملل متحد وساطت کرد. هم‌چنین ترکیه تلاش‌های مستمری در زمینه میانجی‌گری میان دو کشور آذربایجان و ارمنستان به منظور حل بحران قره باغ انجام داد (لاندو، ۱۳۸۲: ۳۴۰). اگرچه در ابتدای امر دولت ترکیه به حمایت از آذربایجان پرداخت اما با گذشت زمان در این رویه تغییراتی اعمال کرد و ترکیه همیشه توصیه به میانجی‌گری را، هم برای خودداری از کشیده شدن در جنگ و هم برای از صحنه به در کردن ایران، که برای میانجی‌گری تلاش می‌کرد، ترجیح داد (لاندو، ۱۳۸۲: ۳۴۰). حضور سربازان ترکیه و تیم‌های بازسازی به‌عنوان قسمتی از نیروهای یاری امنیت بین‌المللی^۱ نیز از مسائل قابل‌تأمل در این رابطه است. دیپلمات‌های ترکیه هم‌چنین در پی میانجی‌گری میان اسلام‌آباد و کابل بوده‌اند (Wheeler, 2013: 7).

۱-۲-۱. حضور اقتصادی در آسیای میانه و قفقاز. از دیدگاه اقتصادی تلاش‌های

1. International Security Assistance Force

ترکیه به‌منظور گسترش حوزه نفوذ در حوزه آکو در دو بعد قابل تأمل است:

الف: انرژی و ترانزیت آن: جمهوری‌های سابق شوروی برای ترکیه به‌عنوان یک صحنه رقابت و یا مشارکت با بازیگران مذکور حیاتی هستند. منطقه دریای خزر به‌ویژه برای متنوع‌سازی واردات انرژی ترکیه برای مصرف داخلی و تمایل ترکیه برای این منظور که ترانزیت انتقال انرژی به اوراسیا شود دارای اهمیت است (Balcer, ۱۵۱: ۲۰۱۳). برای دولت ترکیه، منطقه به خاطر منابع وسیع انرژی و امنیت عرضه انرژی به بازار جهانی اهمیت استراتژیک دارد. با استفاده از این امتیاز جغرافیایی، واقع شدن در مرکز کریدور انرژی شرق- غرب، شمال - جنوب و جنوب-شمال، ترکیه تمایل پیدا کرده تا تبدیل به یک کشور مهم ترانزیت انرژی و هم یک ترمینال انرژی و چهارمین منبع انرژی اتحادیه اروپا، پس از دریای شمال، روسیه و خاورمیانه شود (Efeşil, 2008: 169).

ب: کمک‌های مالی در قالب اعطای وام و هم‌چنین فعالیت شرکت‌های خصوصی ترکیه در کشورهای حوزه آکو نیز قابل توجه است. ترکیه تا سال ۱۹۹۶ تحت عنوان کمک‌های انسانی به آذربایجان ۵۱ میلیون دلار، به قرقیزستان ۱۸/۵ میلیون دلار، و به ترکمنستان ۶ میلیون دلار وام داده است. به علاوه، به‌عنوان سرمایه‌گذاری پروژه و صادرات اجناس تا نیمه دوم ۱۹۹۵ به قزاقستان ۱۱۰ میلیون دلار، به ازبکستان ۳۰۰ میلیون دلار، به قرقیزستان ۲۵ میلیون دلار و به ترکمنستان ۸۸ میلیون دلار وام داده است (دیکایا، ۱۳۷۹: ۱۵۱). در ضمن حدود ۱۲۶۷ شرکت ترکیه‌ای در جمهوری آذربایجان ثبت شده‌اند که نیمی از آن‌ها با قدرت در حال فعالیت هستند (عطایی و دیگران، ۱۳۹۰: ۵۶). در سال ۲۰۱۰ نیز ترکیه از سرمایه‌گذاران نسبتاً مهم در این کشورها محسوب شده است. اکثر سرمایه‌گذاری مستقیم ترکیه به آذربایجان و قزاقستان می‌رود. طبق داده‌های قزاق‌ها، ترکیه ۱,۶ میلیارد دلار تا سال ۲۰۱۰ در قزاقستان سرمایه‌گذاری کرده است (Balcer, 2013).

۳-۱-۱. برقراری هژمونی فرهنگی: در خصوص فعالیت‌های فرهنگی ترکیه چند

نکته حائز توجه می‌باشد.

الف. ترویج ایدئولوژی پان‌ترکیسم: براساس اندیشه پان‌ترکیستی، ترک‌زبانان مسلمان، به‌ویژه آنان که در ترکیه، قبرس، شبه جزیره بالکان، اتحاد شوروی سابق، عراق، ایران، افغانستان و ترکستان شرقی (سین کیانگ) زندگی می‌کنند، اجزای یک ملت بزرگ

به شمار می‌آیند و همه آنان باید به رهبری ترکیه در یک دولت متحد شوند (امیراحمدیان، ۱۳۸۴: ۳۸۹). به دنبال رد تقاضای عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا در ۱۹۸۹، ترکیه امیدوار بود که توسط برقراری روابط با دولت‌های تازه استقلال یافته شوروی یک جامعه ترک تحت رهبری خود ایجاد کند، تصویری که بعدها توسط «تورکوت اوزال» به عنوان ابزاری در جهت مقابله با رژیم اسلامی ایران دنبال شد (wheeler, ۲۰۱۳: ۶). و نهایتاً تمامی تلاش‌های ترکیه برای اتحاد کشورهای ترک زبان آسیای مرکزی و قفقاز با آنکارا در گردهمایی سیاسی سران کشورهای مذکور که از سال ۱۹۹۲ به بعد هر از چندگاهی برپا می‌شود، جلوه‌گر شده است. این اندیشه سرانجام به تأسیس کنگره دوستی، برادری و همکاری کشورهای ترکی و مجامع ترک منجر شد. در اجلاس نهایی تلاش شده بود تا با دعوت بیش از ۵۰۰ هیأت نمایندگی از ۳۰ منطقه و کشور جهان دامنه مشارکت گروه‌های ترک زبان گسترش داده شود (احمدی، ۱۳۸۸: ۸). در این راستا در ژانویه ۱۹۹۲، یک دانشگاه بین‌المللی که به زبان ترکی تعلیم می‌داد، با حمایت ترکیه، ترکمنستان و قزاقستان، در ترکمنستان افتتاح شد (لاندو، ۱۳۸۲: ۳۴۶). در دهه میان ۲۰۰۲-۱۹۹۲ بیش از ۱۴۰۰۰ بورسیه به کشورهای ترک زبان در قفقاز و آسیای میانه از طرف ترکیه اعطا شده و هم‌چنین تعدادی مدرسه، مراکز ترک زبان و حتی دانشگاه مستقیماً در این کشورها تأسیس شده است (Frappi ۲۰۱۳). هم‌چنین رسانه‌های ترکیه با ایجاد کانال‌های متنوع و پخش برنامه و فیلم‌ها به زبان ترکی در کشورهای حوزه اکو دولت ترکیه را در این زمینه یاری می‌کنند.

ب. تلاش برای تثبیت الگوی اسلام غیر سیاسی: بارزترین کرد قدرت نرم ترکیه را در استفاده این کشور از انجمن‌های غیردولتی فرهنگی و حتی تجاری در توسعه نفوذ دینی خود در دیگر کشورها می‌توان مشاهده کرد. ترکیه از این انجمن‌های غیردولتی برای تأمین مالی برنامه‌های رسانه‌ای موافق حکومت، به‌ویژه در کشورهای خارجی استفاده می‌کند. در همین راستا، دولت مردان ترکیه را افرادی از جامعه تجار مسلمان این کشور همراهی می‌کنند. بخش عمده‌ای از این گروه را کنفدراسیون صنعت‌گران و تجار ترکیه تشکیل می‌دهند که توسط پیروان گولن تأسیس شده است. پیروان گولن که به‌عنوان جنبش گولن معروف شده اند، شبکه گسترده‌ای از شغل‌ها، برنامه‌های رسانه‌ای، سازمان‌های غیردولتی، مؤسسات خیریه و مدارس را در ترکیه ایجاد کرده و در شمار زیادی از کشورهای

جهان حضور پیدا کرده‌اند. در همان سه سال اول استقلال کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز حدود ۴۸۰ نفر از طلبه‌های این کشورها در مدارس مذهبی ترکیه دعوت به تحصیل شدند (عطایی، ۱۳۷۹: ۵۳). از جمله موارد در این خصوص دیپلماسی دینی این کشور در جمهوری آذربایجان است. فعالیت مذهبی ترکیه در جمهوری آذربایجان به دو شیوه دولتی و غیر دولتی صورت می‌گیرد که در هر دو شیوه ترکیه تمایل دارد فعالیت خود را به شکل قانونی و مطابق با قوانین و شرایط آذربایجان انجام دهد. ایجاد یک دانشکده الهیات در دانشگاه آذربایجان نیز از دیگر فعالیت‌های دولت ترکیه بوده است. همچنین چند مسجد توسط ترکیه در باکو و شهرهای دیگر جمهوری آذربایجان ساخته شده که امامان جماعت آن‌ها از سوی ترکیه تعیین می‌شوند (عطایی و دیگران، ۱۳۹۰: ۶۰).

۱-۲. عربستان سعودی و چالش سلفی‌گری

عربستان سعودی گرچه در سازمان آکو عضویت ندارد اما با توجه به نفوذ اقتصادی و دینی‌اش از جمله رقبای منطقه‌ای ایران به حساب می‌آید که همواره در صدد تضعیف جایگاه منطقه‌ای ایران بوده است. این کشور تلاش کرده تا با استفاده از جایگاه خود در جهان اسلام به دلیل واقع بودن حرمین شریفین در عربستان، به اهداف برتری‌جویانه خود دست یابد و از آن به‌منظور پیشبرد اهداف سیاست خارجی خود استفاده کند. به هنگام مقابله با پان‌عربیسم ناصری در دهه ۱۹۶۰، عربستان سعودی تأکید کرد که اصل سامان‌دهنده سیاست منطقه‌ای باید اسلام باشد و نه عربیسم، و بدین ترتیب، سعی کرد کشورهای غیرعرب، هم‌چون ایران و ترکیه را به درون ترکیب منطقه‌ای بکشاند (گوس، ۱۳۹۰: ۳۶۰). پس از شکست مصر از اسرائیل در ۱۹۶۷، عربستان سعودی برای دوره کوتاهی کانون توجه جهان عرب به شمار می‌آمد. ثروت تازه، بیان مذهبی و جایگاه نمادین جغرافیای عربستان، شرایطی را برای برجستگی این کشور فراهم ساخت. توافق «سادات» با اسرائیل نیز، اظهار پیروزی عربستان سعودی را به منزله حافظ دو مسجد مقدس و منافع مسلمانان سراسر جهان تسهیل کرد. پس از دیدار سادات از اسرائیل، رژیم سعودی خودش را به‌عنوان تنها حامی منافع اعراب و مسلمانان برصردر نشانده. اما عمر این انحصار طولانی نبود و در سال ۱۹۷۹، عربستان سعودی با چالش انقلاب اسلامی ایران روبه رو شد (الرشید، ۱۳۹۳: ۱۹۱).

در این برهه از زمان ایران تنها یک چالش ساده منطقه‌ای برای عربستان نبود بلکه چالشی داخلی نیز به حساب می‌آمد؛ زیرا جمهوری اسلامی و رهبر آن آیت الله خمینی حکومت‌های پادشاهی را به طور کلی با عنوان غیراسلامی به باد انتقاد گرفت و اقلیت شیعه عربستان ساکن استان شرقی نفت خیز این کشور با انجام اعتراض‌ها و تظاهراتی به ندای او پاسخ دادند (گوس، ۱۳۹۰: ۳۵۸). عربستان به‌عنوان مرکز جهان اسلام و داعیه‌دار خلافت اسلامی، همواره تلاش داشته است که از نقش جمهوری اسلامی به‌عنوان مرکز مقابله با کفر و محور تجمع امت اسلامی جلوگیری کند. بدین منظور، نخستین راهکار سعودی‌ها تبلیغ و ترویج وهابیت در جوامع اسلامی، به‌ویژه کشورهای تازه استقلال یافته و فاقد حکومت مرکزی قوی است (اسماعیلی، ۱۳۸۶: ۶۳). عملکرد عربستان سعودی برای ترویج سلفی‌گری وهابی در حوزه اکو در چند کشور متمرکز شده است.

۱-۲-۱. **افغانستان:** اشغال افغانستان توسط شوروی این فرصت را در اختیار عربستان سعودی قرار داد که اعتبار خود را به‌عنوان حافظ ایمان و مؤمنان تقویت کند. در دهه ۱۹۸۰، جهادیون سعودی با پشتیبانی چندین عامل از جمله حکومت سعودی و نهاد وهابیت رسمی، در جنگ برای آزادسازی افغانستان از دست کمونیست‌ها شرکت کردند (الرشید، ۱۳۹۳: ۱۹۴). این امر موجبات ظهور طالبان را فراهم کرد. یکی از اهداف گروه‌های افراطی مانند القاعده و طالبان، نابودی شیعیان است. به اعتقاد آن‌ها بعد از نابودی غرب، شیعیان باید نابود شوند (سجادپور و قهرودی، ۱۳۹۰: ۲۴۹). پاکستان، عربستان و امارات متحده عربی سه کشوری بودند که رژیم طالبان را به رسمیت شناخته و از آن حمایت کردند (فرزین نیا، ۱۳۸۳: ۴). سعودی‌ها در این زمینه از کمک‌های مالی نیز دریغ نورزیدند. آن‌ها در طول دهه ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ حدود ۴ میلیارد دلار به مجاهدین و طالبان کمک کرده‌اند. هم‌چنین بین سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۰ عربستان بیش از ۴ میلیارد دلار از طریق پاکستان به افغانستان منتقل کرده است. این کمک‌ها به حدی بود که «هیلاری کلینتون» ادعا کرد عربستان سعودی بزرگ‌ترین منبع مالی گروه‌های نظامی اسلامی مانند طالبان است (Tadjbakhsh, 2013: 41).

۱-۲-۲. **پاکستان:** پاکستان از جمله کشورهای همسایه ایران است که همواره از درگیری‌های فرقه‌ای و مذهبی رنج برده و این امر موجب گردیده تا وقوع این درگیری‌ها تلفات جانی و مالی بسیاری را بر جای گذارد. در این رابطه تأثیر و نفوذ گسترده فرقه

وهابیت سبب‌ساز بسیاری از تنش‌ها در این کشور بوده است. دولت عربستان رابطه نزدیکی با برخی از گروه‌های بنیادگرا در پاکستان دارد؛ چراکه برخی فرقه‌های مذهبی در پاکستان مانند مکتب دیوبندی از نظر اعتقادی شباهت زیادی به وهابیت دارند. لذا گسترش فعالیت گروه‌های بنیادگرا در پاکستان تا اندازه زیادی، محصول انتقادات و آموزش مکتب دیوبندی است که از حمایت وهابی‌ها نیز برخوردار بوده است. عربستان در دوران جهاد به علت درآمدهای نفتی با ارسال کمک‌های مالی و اقتصادی به افغانستان و ایجاد هزاران مدرسه مذهبی در پاکستان که به آیین وهابیت پایبند بودند، زمینه رشد و گسترش هرچه بیشتر این اندیشه را فراهم آورد (مسعودنیا و نجفی، ۱۳۹۰: ۱۰۳). سفارت و نمایندگی‌های عربستان سعودی در پاکستان، همواره از فعالیت‌های گروه‌های فرقه‌گرا و مخالف شیعیان حمایت کرده و تعداد زیادی از جوانان این کشور را برای تحصیل در دانشگاه‌ها و مراکز علمی عربستان جذب کرده‌اند و از تأسیس گروه‌های تروریستی و حمایت مالی و سیاسی آنان غافل نیستند. سپاه صحابه نمونه کامل یک حزب تفرقه‌گرا و مورد حمایت عربستان است (Leghari, 2014: 10).

۳-۲-۱. آسیای میانه و قفقاز: آسیای میانه و قفقاز به دلیل اطلاعات ناکافی مسلمانان این ناحیه به یکی از کانون‌های رخنه فرقه وهابیت تبدیل شده که آثار آن به وضوح در کشورهایی مانند ازبکستان، قرقیزستان و تاجیکستان مشهود است، که احتمال شکل‌گیری برخی سازمان‌های بنیادگرای فرقه‌ای در مجاورت سرزمینی شمال ایران را افزایش می‌دهد (دل‌اور پور اقدم، ۱۳۸۹: ۱۵۱). آنچه در ارتباط با سیاست عربستان سعودی در افغانستان قابل تأمل است، نگاه مثبت این کشور به آسیای مرکزی بعد از سقوط اتحاد شوروی و استقلال کشورهای مسلمان در این بخش از جهان است. عربستان سعودی خیلی زود متوجه نقش مثبت مدارس مذهبی پاکستان به سود سیاست‌هایش شد و همین رویه را در مورد کشورهای آسیای مرکزی نیز در پیش گرفت (ملازهی، ۱۳۸۴: ص ۹۱). در این باره شکی وجود ندارد که عربستان سعودی درباره فعالیت‌های ایران در آسیای مرکزی نگران بوده است. به همین خاطر، سفر وزیر امور خارجه سعودی در فوریه ۱۹۹۲ به ازبکستان، تاجیکستان، ترکمنستان و جمهوری آذربایجان به وضوح نه تنها منافع عربستان سعودی در منطقه را هدف قرار می‌داد، بلکه اضطراب به خاطر شکل‌گیری سازمان همکاری اقتصادی را نیز اظهار می‌کرد (Ahrari and Beal, 1996: 50).

در فوریه ۱۹۹۳ علی‌اکبر ولایتی به پایتخت‌های آسیای میانه سفر کرد. این امر، به افزایش حضور متقابل عربستان سعودی انجامید که در جریان آن شرکت‌های عربستان سعودی سرمایه‌گذاری‌های عمده‌ای در قزاقستان و ترکمنستان کردند، و به ساختن مساجد، اعطاء کمک‌های تحصیلی و فرستادن تعداد بسیار زیادی قرآن و مطالب آموزشی (سنی در چارچوب مبارزه برای از میدان به در کردن رقیب شیعی خود ایران) دست زدند (لاندو، ۱۳۸۲: ۳۲۷). این اقدامات در خصوص ترکمنستان نمود بیش‌تری یافته است. در نظر حکام سعودی جمهوری ترکمنستان به واسطه داشتن پیوندهای تاریخی، فرهنگی و مذهبی و دارا بودن مرز مشترک با جمهوری اسلامی ایران دارای اهمیت می‌باشد. به این جهت دولت عربستان با به رسمیت شناختن این جمهوری به‌عنوان یک کشور مستقل، سفارتخانه دایر و سفیر اعزام داشته است و با ارسال قرآن مجید، اعزام مبلغ و اساتید علوم اسلامی، پذیرش طلاب، احداث مساجد و مراکز اسلامی، ارسال مواد غذایی، دارویی، بهداشتی و انجام کارهای عمرانی سعی در گسترش فرقه وهابیت دارد (حسین خانی، ۱۳۸۴: ۸۶۵). هم‌چنین در زمینه صنایع نفتی نیز در آن زمان عربستان حدود ۱۰ میلیارد دلار اعتبار به ترکمنستان اختصاص داد (Ahrari and Beal, 1996: 49).

۲- چالش‌های فرامنطقه‌ای

حوزه اکو از دیرباز تاکنون به دلیل موقعیت خاص جغرافیایی خود و هم‌چنین دارا بودن منابع غنی انرژی همواره مورد توجه ویژه قدرت‌های فرامنطقه‌ای قرار داشته است. این توجه با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی افزایش یافته و عدم حضور یک ابرقدرت در منطقه موجب گردیده تا کشورها در خارج از حوزه اکو تلاش در زمینه افزایش حضور خود نمایند. با این وصف جمهوری اسلامی ایران علاوه بر رقبای منطقه‌ای باید با چالش رقابت با بعضی از کشورها در خارج از منطقه نیز رویارویی کند. اما آنچه که موجب نگرانی بیشتر ایران در این رابطه می‌شود تلاش بعضی از این کشورها به‌منظور ایجاد ترس و ارباب کشورهای منطقه و جهان از نظام جمهوری اسلامی ایران می‌باشد. این امر که با واژه ایران‌هراسی^۱ کرد یافته است، همواره باعث شده تا کشورهای منطقه به خصوص کشورهای عرب حوزه خلیج فارس نسبت به ایران دچار بی‌اعتمادی گشته و کشورهای حوزه اکو نیز در برقراری

روابط با ایران دچار شک و تردید شوند. آنچه تحت عنوان ایران‌هراسی نامیده می‌شود، بر بستر برخی واقعیت‌ها در منطقه و وارونه‌نمایی برخی دیگر، شکل گرفته تا در پرتو آن هزینه قدرت‌یابی ایران به نحوی افزایش یابد که انتقال قدرت، غیرممکن شود. قابلیت‌های ایران در حوزه‌های سنتی و نوین قدرت در مقیاس منطقه‌ای، به گونه‌ای است که این کشور را به‌عنوان یک گزینه بالقوه منطقه‌ای مطرح می‌کند. بنابراین نخستین عامل نگرانی از ایران یا در شکل حاد آن ایران‌هراسی، قدرت ایران است (برزگر و قاسمی، ۱۳۹۲، ۱۷۶). ایران‌هراسی اشاره به احساسات مخالفت یا دشمنی با سیاست‌ها، فرهنگ، جامعه، اقتصاد یا نقش بین‌المللی ایران دارد. ایران‌هراسی به‌عنوان یک سیاست طی سال‌های متمادی برای اهداف مختلف به کار گرفته شده است. بیشترین استفاده از این سیاست به‌منظور فروش تسلیحات نظامی به کشورهای خاص (کشورهای عرب حاشیه خلیج فارس) صورت گرفته است. با وقوع انقلاب اسلامی در ایران که موجب چرخش در سیاست خارجی این کشور شد، مخالفت نظام اسلامی در ایران با اهداف کشورهای هم‌چون آمریکا و اسرائیل موجب شد تا این کشورها به‌منظور ممانعت از دست‌یابی ایران به اهداف انقلابی خود به‌منظور گسترش هراس از ایران در منطقه و جهان تلاش کنند. آمریکا با فضاسازی روانی در سطح منطقه‌ای و هم‌چنین بین‌المللی، به دنبال بی‌اعتبارسازی سیاست‌های ایران و در نتیجه محدود سازی ایران است و تلاش دارد تا این امر را از طریق راهبرد ایران‌هراسی به سرانجام رساند. طی سه دهه گذشته، همواره دولت‌های ایالات متحده آمریکا چه جمهوری خواه و چه دموکرات به صورت پیوسته راهبرد ایران‌هراسی را در سیاست خارجی و دیپلماسی عمومی این کشور دنبال کرده اند. در این میان عواملی چون انقلاب اسلامی به‌عنوان کانون توجه جهان اسلام، دست‌یابی به توانایی‌های هسته‌ای و تکنولوژی‌های پیشرفته، حضور اثرگذار در کاهش بحران‌های منطقه‌ای ناشی از مداخله‌های مستقیم قدرت‌های فرامنطقه‌ای و سرانجام، مخالفت آزردهنده با فرایند صلح اسرائیل و فلسطین، پاسخی روشن به چرایی راهبرد ایران‌هراسی است (جرجیس، ۱۳۸۲، ۸۹).

در این زمینه دو کشور آمریکا و اسرائیل بسیار فعال بوده و همواره تلاش کرده‌اند تا از جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان عامل تروریسم و تهدید برای صلح و امنیت بین‌المللی یاد کنند. آنچنان که مارک کرک سناتور جمهوری خواه ایالت ایلینوی آمریکا اظهار داشته که رئیس‌جمهور افزایش نیروهای آمریکا در افغانستان و کشتن بن‌لادن را صادر کرد اما

درباره ایران ضعیف تر عمل شده است. همه چیز تحت الشعاع عملیات بن لادن قرار گرفته و امید من این است که ما توجه را به خطر شماره یک در خاورمیانه یعنی ایران برگردانیم (خرازی، ۱۳۹۰: ۱). هم‌چنین تلاش‌های چند سال اخیر «نتانیاهو» ضمن سخنرانی در سازمان ملل به منظور معرفی ایران به عنوان کشوری که در تلاش برای دست‌یابی به سلاح هسته‌ای است جملگی بیانگر آن است که امریکا و اسرائیل سعی دارند تا ضمن معرفی نظام جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک نظام تروریستی، این کشور را تهدیدی علیه صلح بین‌الملل معرفی و موجب بی‌اعتمادی کشورهای منطقه به آن شوند.

۲-۱. امریکا و گسترش نفوذ در حوزه اکو

بر خلاف دوران پیش از انقلاب اسلامی که ایران به عنوان یکی از متحدان استراتژیک غرب به حساب می‌آمد و بدیهی است که در این راستا از حمایت‌های بی دریغ این کشور برخوردار بود، با وقوع انقلاب اسلامی چرخشی اساسی در سیاست خارجی دو کشور نسبت به یکدیگر صورت پذیرفت. تیرگی روابط پس از انقلاب اسلامی، از طریق کمک‌های امریکا به عراق در جریان جنگ هشت ساله میان ایران و عراق تشدید گردید و در پی آن امریکا با تعریف ایران به عنوان محور شرارت تلاش‌های مستمری را به منظور تضعیف جایگاه منطقه‌ای ایران اعمال کرد (اطهری و مشهدیان، ۱۳۹۱: ۲). هم‌چنین امریکا تلاش کرد تا از گسترش نفوذ ایران در کشورهای حوزه اکو ممانعت به عمل آورد. برای دست یافتن به این هدف باید در ابتدا وارد حوزه پیرامونی این کشورها می‌شد. حادثه ۱۱ سپتامبر این زمینه را برای امریکا فراهم کرد تا تحت پوشش مبارزه با تروریسم در منطقه حضور یابد (زارعی، ۱۳۸۸: ۴۷). در پی این حادثه امریکا با حضور خود در افغانستان و ایجاد روابط نزدیک با کشورهای منطقه موقعیت خود را برای پیشبرد منافع اقتصادی و استراتژیک بیش از پیش تقویت کرد. بدیهی است که علاوه بر مقابله با ایران، امریکا اهدافی هم‌چون رویارویی با دشمنان استراتژیک بالقوه خود نظیر روسیه و چین و هم‌چنین جاذبه اقتصادی و پتانسیل هند به عنوان وزنه تعادل برای چین را مد نظر قرار داده است (فرزین نیا، ۱۳۸۳: ۱۷).

امریکا و آسیای میانه و قفقاز: به دنبال اعلام استقلال پانزده جمهوری تشکیل دهنده اتحاد جماهیر شوروی، سیاست‌مداران ایالات متحده توجه خود را به جمهوری‌های بالتیک

و اسلاو و روسی متمرکز کردند و آن‌ها را به رسمیت شناخته و در قبال دیگر جمهوری‌ها از جمله جمهوری‌های آسیای میانه با احتیاط برخورد کردند و اعلام کردند که به رسمیت شناختن آنان از سوی ایالات متحده منوط به رعایت حقوق اقلیت‌ها، انجام انتخابات و پذیرفتن بازار آزاد می‌باشد. ولی رشد اسلام‌خواهی و تجدید حیات اسلام در این جمهوری‌ها و از طرفی دیگر گسترش حجم همکاری‌ها و مناسبات با کشورهای اسلامی، مسئولین در واشنگتن را بر آن داشت تا استقلال کشورهای مذکور را به رسمیت بشناسند (حسین‌خانی، ۱۳۸۴: ۸۷۶). با گذشت زمان غرب متوجه گردید که در این جمهوری‌ها گرایش به اسلام زیاد است، این ملتها مسلمانند و طبعاً حکومت‌هایی که سرکار می‌آیند، مسلمان خواهند بود. نگرانی غرب از این باب بود که در این اوضاع گذار و انتقال، ایران ممکن است به فکر فعالیت‌هایی در این منطقه بیفتد و این کشورها ایران را الگو قرار داده و به جمهوری اسلامی دیگری تبدیل شوند، و نگرانی پدید آمدن یک بلوک اسلامی، برجسته شود (عطایی، ۱۳۷۹: ۴۹). از این زمان به بعد به‌ویژه پس از اینکه محققان متوجه حضور ذخایر عظیم انرژی در منطقه آسیای مرکزی و قفقاز گردیدند، توجه ایالات متحده به این منطقه افزایش یافت (قادری حاجت و نصرتی، ۱۳۹۱: ۷۹).

در آن سوی نیز کشورهای آسیای میانه آمریکا را قدرتی موازنه‌ای علیه روسیه و چین می‌دانند و این امر محیط مناسبی را برای آمریکا به وجود آورد. واشنگتن می‌کوشد تا پایگاه نظامی در آسیای مرکزی ایجاد کند، یعنی جایی که چین و روسیه در آن منافع نظامی برای حمایت و حفاظت از منافع دراز مدت خود دارند. به همین دلیل آمریکا به گسترش روابط با ازبکستان و سایر جمهوری‌های آسیای مرکزی به‌خصوص در زمینه مسائل امنیتی ادامه می‌دهد و با استفاده از اقتصاد قدرتمند خود این دوره زمانی را تسریع می‌کند (سیف‌الدین ارول، ۱۳۸۳: ۱۶۳). بین سال‌های ۹۹-۱۹۹۲، ایالات متحده تقریباً ۱/۹ میلیارد دلار را در چارچوب قانون حمایت از آزادی به این منطقه اختصاص داده است (بتی و برانسون، ۱۳۸۰: ۱۱۸). از سوی دیگر کاخ سفید از مرز بندی کامل خزر میان کشورهای ساحلی آن پشتیبانی می‌کند. آمریکا بر آن است که از یک سو پای ناتو را به خزر بکشاند و از سوی دیگر دست شرکت‌های امریکایی را در اکتشاف و استخراج و صدور نفت و گاز خزر باز کند. چنانچه این دریا میان کشورهای ساحلی تقسیم شود و هر کشوری صاحب دریای سرزمین خود باشد و بتواند در آن اعمال حاکمیت کند، آمریکا در پرتو مناسبات

بهرتر با جمهوری آذربایجان، قزاقستان و ترکمنستان این اجازه را خواهد یافت که در این دریا حضور نظامی داشته باشد. به اعتقاد بعضی از صاحب نظران، تقسیم دریای خزر میان کشورهای ساحلی آن، سناریوی دیگر کاخ سفید است که ارتباط راهبردی روسیه با ایران و امکان دستیابی روسیه به جنوب را منتفی و از سوی محاصره ایران از طرف شمال را تکمیل می‌کند (ایزدی و رحیمی، ۱۳۸۹: ۹۱ و ۹۲). نهایتاً کشورهای آسیای مرکزی به دلیل همجواری با افغانستان نقش تعیین‌کننده در موفقیت عملیات نظامی آمریکا در افغانستان ایفا کردند و به مهم‌ترین مسیر برای ارسال کمک‌های نظامی، بشردوستانه و کسب اطلاعات نظامی از اوضاع این کشور تبدیل شدند. در این راستا دولت آمریکا چندین موافقت‌نامه نظامی کوتاه مدت با کشورهای قرقیزستان، ازبکستان، تاجیکستان و قزاقستان را برای استقرار نظامیان این کشور و با استفاده از پایگاه‌ها و تجهیزات نظامی آن‌ها منعقد کرده است (ایزدی و رحیمی، ۱۳۸۹: ۷۳).

۲-۱-۲. ناتو و حوزه اکو: از جمله ابزاری که به توسعه و گسترش نفوذ آمریکا در حوزه اکو کمک کرده است سازمان ناتو می‌باشد. آمریکا می‌خواهد از ناتو به‌عنوان بازوی حمایت‌کننده استراتژی نظام نوین جهانی و تک قطبی کردن جهان استفاده کند. هدف این است که ناتو به صورت شبکه اتحادیه‌های نظامی در کل منطقه گسترش یافته و به‌عنوان بازوی نظامی در جهت تحقق خواست آمریکا عمل کند (علیزاده، ۱۳۸۸: ۲۷۹). این سازمان، دوران استحاله خود بعد از فروپاشی شوروی را پشت سر گذاشته و توانسته است خود را با شرایط جدید به خوبی تطبیق دهد. در پیش گرفتن سیاست‌هایی نظیر گسترش این پیمان از طریق پذیرش اعضای جدید و نیز دعوت به همکاری در چارچوب برنامه‌هایی نظیر ابتکار "مشارکت برای صلح" که طی دهه ۱۹۹۰ فعالیت‌های صلح‌بانی این پیمان در منطقه بالکان را تحت نظر داشت نه تنها باعث شد تا نقش ژاندارمی جهان در کنار سازمان ملل را به خود اختصاص دهد، بلکه وقوع حوادث تروریستی ۱۱ سپتامبر نیز زمینه حضور هر چه بیشتر این پیمان در مناطق قفقاز و آسیای مرکزی، مدیترانه و خاورمیانه را فراهم آورد. سران ناتو ضمن پیشنهاد ارائه کمک‌های عملی در حمایت از اصلاحات دموکراتیک در کشورهای اروپای مرکزی و شرقی و سپس آسیای مرکزی و قفقاز، از آن‌ها دعوت کردند تا با حضور در نشست‌های نهادهای وابسته به ناتو، از تجارب و استعدادهای این سازمان در زمینه همکاری‌های سیاسی، نظامی، اقتصادی، علمی و فرهنگی بهره مند

شوند. بدین ترتیب، با این اقدام‌ها زمینه لازم برای جذب این کشورها که با فروپاشی اتحاد شوروی در یک خلاء امنیتی نگران کننده به سر می‌بردند، فراهم شد. دبیرکل و سایر مقام‌های ناتو از سال ۱۹۹۷، به طور دائم با نمایندگان کشورهای آسیای مرکزی که عضو طرح مشارکت برای صلح بودند و شامل کشورهای قزاقستان، قرقیزستان، ازبکستان، ترکمنستان و جمهوری آذربایجان می‌شدند، دیدار و گفتگو کردند. ناتو هم‌چنین در سال ۱۹۹۹ برای نخستین بار علاقمندی خود به موضوع انرژی را با برگزاری کارگاه مطالعاتی با عنوان «دریای خزر: جستجویی برای امنیت زیست محیطی» در ایتالیا آشکار کرد. در این نشست که با حضور ۴۵ متخصص از کشورهای حوزه دریای خزر و نیز ارمنستان، گرجستان و ترکیه برگزار شد، درباره مدیریت منابع دریایی مشترک، راه‌های ممانعت از بروز منازعه، رژیم حقوقی حاکم بر دریای خزر و اقتصاد منابع و محیط زیست منطقه بحث و گفتگو انجام شده است (تیشه یار، ۱۳۸۸: ۵۵-۵۲).

۲-۲. اسرائیل از استراتژی پیرامونی تا هژمونی منطقه‌ای

به دلیل اینکه اعلام تأسیس اسرائیل در سرزمین فلسطین، فاقد مبنای حقوقی، مشروعیت جمعیتی، تاریخی و جغرافیایی بود، از این رو بنیانگذاران و رهبران آن از بدو تأسیس، موجودیت این کشور را در منطقه در حال تهدید تعریف کرده‌اند. سران اسرائیل با این ادعا که از سوی کشورهای همجوار در معرض تهدید قرار دارند، بقا و امنیت خود را دستاویز و توجیهی برای هرگونه توسعه‌طلبی، تجاوز و تهدید دیگر کشورها قرار داده‌اند (یاسری، ۱۳۸۷: ۱۰۹). در این راستا اسرائیل در ابتدای امر به لحاظ موقعیت و وضعیت خاص خود، به‌ویژه فقدان عمق استراتژیک و آسیب‌پذیری ناشی از تهدیدهای امنیتی و در راستای تحقق اصل راهبردی امنیتی خود مبتنی بر برتری نظامی بر سایر کشورهای منطقه، نیاز بسیار شدیدی به ایجاد ارتباط امنیتی و اطلاعاتی با کشوری در منطقه داشته که با اتکال آن بتواند خواسته‌ها و اهداف خود را تأمین کند (زارع، ۱۳۸۸: ۵). با این وجود اسرائیل با اتخاذ استراتژی پیرامونی، خواهان رفع انزوا از طریق ارتباط با کشورهای فراسوی اعراب مثل ترکیه، اتیوپی و ایران بود (مشیرزاده و مصباح، ۱۳۹۰: ۲۴۹). ولی در حال حاضر با وقوع انقلاب اسلامی ایران و با توجه به تحولات انجام شده در منطقه رژیم صهیونیستی علاقمند است از دکتترین پیرامونی عبور کرده و فعالیتش را در مرزها و مناطق دورتر دنبال

کند(پسندیده، ۱۳۹۰: ۳).

با وقوع انقلاب اسلامی با مطرح کردن بحث تهدید وجودی، اسرائیل سعی در طرح این موضوع دارد که اگر ایران به سلاح هسته‌ای دست یابد، بی تردید آن را برای نابودی کامل اسرائیل به کار خواهد گرفت و لذا موجودیت این کشور را تهدید می‌کند. در راستای این استراتژی، رژیم اسرائیل برنامه‌های هسته‌ای و نظامی ایران را بهانه قرار داده و تبلیغات وسیعی علیه ایران آغاز کرده است. با این سیاست، اسرائیل به دنبال کسب حمایت بین‌المللی، جهت کارشکنی علیه تعاملات بین‌المللی ایران و در نتیجه تضعیف و انزوی ایران است(برزگر و قاسمی، ۱۳۹۲: ۱۷۲). رژیم اسرائیل سیاست جدیدی را مبنی بر منزوی ساختن ایران در منطقه و در سطح بین‌المللی طراحی کرد. منظور از این سیاست، ایجاد تنش و یا خدشه‌دار کردن و در نهایت قطع روابط سیاسی و دیپلماتیک سایر کشورها با ایران است. امضای قرارداد صلح اسلو با رهبر سازمان آزادی بخش فلسطین در ۱۹۹۳ و سپس صلح با اردن در ۱۹۹۴، تلاش اسرائیل برای ورود به آسیای مرکزی و قفقاز، آغاز اتحاد استراتژیک با ترکیه، و همچنین گسترش مناسبات اسرائیل با چین و هندوستان همگی در راستای مقابله با منافع ایران و محاصره این کشور صورت گرفته است(یاسری، ۱۳۸۷: ۲۰۴). اسرائیل از برنامه‌های اتمی ایران و پاکستان ناخشنود است و از همکاری دو کشور احساس نگرانی می‌کند. بنابراین در راستای سیاست‌های دور کردن روابط کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز و ترکیه از ایران با آن‌ها روابط نزدیکی برقرار کرده است و در همه این کشورها سفارتخانه دارد و کمک‌های اقتصادی و نظامی زیادی به این کشورها اعطا کرده است(امیدی، ۱۳۸۵: ۱۴۷).

۱-۲-۲. اسرائیل و آسیای میانه و قفقاز: پس از فروپاشی کمونیسم و رفع تهدید آن برای غرب، جایگاه اسرائیل و ترکیه در هم‌گرایی با آمریکا دچار ضعف شد. از این رو، این کشورها تلاش کردند که اهمیت استراتژیکی خود را باز یابند. در این راستا در منطقه اقدام به بزرگ نمایی تهدید اسلام‌گرایی کردند تا هم حمایت غرب و ایالات متحده را بدست آورند و هم کشورهای منطقه را دچار هراس نمایند تا در پرتو این شرایط نفوذ ایران را در منطقه کاهش دهند(متقی، ۱۳۹۲: ۳). تلاش‌های دولت‌های عرب منطقه به‌منظور وارد کردن دولت‌های آسیای مرکزی به نزاع میان اعراب و اسرائیل، نیز موجب نگرانی اسرائیل بود. به خصوص پس از دیدار یاسر عرفات از قزاقستان در ۱۹۹۲ که به شناسایی

فلسطین از اسرائیل منجر شد، باعث شد تا «اسحاق شامیر» نخست وزیر وقت اسرائیل با نوشتن نامه‌ای به ۲۳ عضو کنگره امریکا آن‌ها را تشویق کند تا از نفوذ خود به منظور متقاعد کردن قزاقستان در پایان دادن به نزدیکی روابط با فلسطینی‌ها استفاده کند (ارس، ۱۳۷۸: ۲۵). علاوه بر این، باید توجه داشت که بیشتر کشورهای منطقه آسیای مرکزی و قفقاز، مسلمان‌نشین و بخشی از جهان اسلام هستند. از این نظر برای این رژیم بسیار قابل اهمیت است که در بخشی از جهان اسلام امکان حضور داشته و به نفوذ خود گسترش دهد. همراه و هماهنگ با این هدف، جلوگیری از گسترش اسلام خواهی و اسلام‌گرایی در میان توده‌های مردمی کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز، نیز از انگیزه‌های دیگر حضور این رژیم در منطقه است (میرمحمدی، ۱۳۹۲: ۲).

با توجه به وجود اقلیت‌های شیعی در برخی کشورهای منطقه که اکثر آن‌ها با حکومت مرکزی خود مشکل دارند، پادشاه اردن ادبیات جدیدی را با نام جغرافیای سیاسی شیعه وارد گفتمان سیاسی منطقه کرد که توانسته است تا حدودی فضای حاکم بر سیاست خارجی کشورهای منطقه را به سمت اعتمادزدایی علیه ایران متمایل کند (دلاورپوراقدم، ۱۳۸۹: ۹۲). بخشی از عملیات شیعه‌هراسی از سوی رژیم صهیونیستی با رویکرد اختلاف زایی میان شیعه و سنی سازمان‌دهی می‌شود که از مصادیق آن می‌توان به گفته‌های ژنرال موفاز معاون وقت نخست وزیر اسرائیل در آوریل ۲۰۰۸ مبنی بر برنامه ریزی جمهوری اسلامی ایران برای تبدیل شدن به هژمون منطقه‌ای از طریق مهندسی امنیتی جغرافیای سیاسی شیعه اشاره کرد (دلاورپوراقدم، ۱۳۸۹: ۹۳). مسئله مهار اسلام‌گرایی سیاسی به‌ویژه بعد از حادثه‌ی ۱۱ سپتامبر جایگاه ویژه‌ای در سیاست‌های ایالات متحده و بسیاری از کشورهای جهان پیدا کرد و بیش از پیش توجه ترکیه، اسرائیل و کشورهای منطقه را به مهار و مبارزه با آن سوق داد. طبیعتاً از نظر این کشورها جمهوری اسلامی ایران حامی حرکت‌های اسلام‌گرایانه محسوب می‌شد که بایستی به انحاء مختلف مانع نفوذ و تأثیرگذاری آن شد (متقی، ۱۳۹۲: ۴). رژیم صهیونیستی، بنیادگرایی اسلامی را برای ثبات سیاسی و امنیت نظامی خویش خطرناک و ایران را کانون آن تلقی می‌کند، از طرفی هم کشورهای آسیای مرکزی از رشد بنیادگرایی اسلامی در درون مرزهای خود نگرانند و این مسأله بهانه‌ای برای گسترش روابط متقابل آن‌ها شده است (پسندیده، ۱۳۹۰: ۸).

پس از فروپاشی اتحاد شوروی، دولت اسرائیل در آغاز دیپلماسی و تجارت را بر استفاده

از نفوذ داخلی یهودیان در جمهوری‌های جدید آسیای مرکزی اولویت داد. بدین ترتیب، اسرائیل در پایان سال ۱۹۹۲ کشورهای جمهوری آذربایجان، قزاقستان، قرقیزستان و تاجیکستان را به رسمیت شناخت و در سال ۱۹۹۲ با ترکمنستان روابط دیپلماتیک برقرار کرد. در ژوئن ۱۹۹۲ جامعه دوستی آذربایجان - اسرائیل اجلاسی در حيفا برپا کرد و در آن خواستار حمایت اسرائیل از دولت آذربایجان در مبارزه‌اش علیه ارمنستان شد (پسندیده، ۱۳۹۰: ۱۰). همکاری اقتصادی یکی از مبانی بسیار مهم در استراتژی اسرائیل محسوب شده است و براساس آن اعتقاد دارد که بنیادگرایی اسلامی دقیقاً از جاهایی امکان خیزش و رویش دارد که از نظر اقتصادی ضعیف و عقب مانده باشند آنگاه اسلام می‌تواند با برپا کردن چنین خلأیی به تشدید منازعه دیرین صهیونیسم - اسلام بپردازد (متقی، ۱۳۹۲: ۸). رژیم صهیونیستی تا آغاز دهه ۱۹۹۰ به سبب جنگ‌های پی در پی در منطقه و وجود جو خصمانه برضد آن، امکان ورود به بازارهای اقتصادی تجاری در منطقه را نداشت. درست در این زمان است که فرصت مناسبی (فروپاشی اتحاد شوروی) برای این رژیم برای حضور در ترتیبات اقتصادی منطقه فراهم شد. همراه شدن این فرصت با توانایی‌های بالقوه و بالفعل این رژیم از جمله برخورداری از منابع و امکاناتی نظیر: زمین، آب، ذخایر ارضی و دارایی‌های داخلی و حمایت‌های خارجی موجب شده است که اسرائیل به اقتصادی سطح بالا، توان علمی عظیم و قدرت نظامی در سطح منطقه‌ای دست یابد (کشاورز شکری، ۱۳۹۲: ۲۶۷). حجم مبادله‌های تجاری برخی از جمهوری‌های آسیای مرکزی و قفقاز با اسرائیل، رقم‌های قابل توجهی را به خود اختصاص می‌دهد. به‌عنوان مثال می‌توان به مبادله‌های تجاری جمهوری آذربایجان با اسرائیل اشاره کرد که بنابر برخی گزارش‌های منتشره، بیش از ۴ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۰ بوده است. این در صورتی است که حجم مبادله‌های باکو با برخی از کشورهای بزرگ منطقه، از جمله روسیه و ایران، بسیار پایین‌تر از این رقم می‌باشد.

از دلایل اصلی و عمده اقتصادی توجه اسرائیل به حوزه کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز، موضوع انرژی است. بدیهی است که تل‌آویو برای تأمین نیازمندی‌های انرژی خود از این منطقه برنامه ریزی کرده است. هم‌چنین به موازات خرید نفت و گاز از کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز، اسرائیل یافتن بازارهای جدید تجاری و اقتصادی در منطقه جهت فروش کالاها و خدمات صنعتی، مخابراتی، کشاورزی، دارویی و... خود به جمهوری‌های

آسیای مرکزی و قفقاز را هم هدف‌گذاری کرده است. هم اکنون خطوط لوله نفت و گاز آذربایجان از طریق خاک گرجستان و ترکیه در حال انتقال انرژی است و یکی از مشتریان و مصرف‌کنندگان این محصول حیاتی و استراتژیک اسرائیل است. اسرائیل در دیگر پروژه‌های انتقال انرژی آسیای مرکزی و قفقاز به غرب آسیا و اروپا، هم‌چون ترانس خزر، به دنبال بهره‌مندی است و انتقال گاز ترکمنستان از راه دریای خزر، آذربایجان و ترکیه به منطقه را پیگیری و تعقیب می‌کند (میرمحمدی، ۱۳۹۲: ۱۴).

۳. ایران و مقابله با چالش‌ها

بدیهی است که تلاش‌های رقبای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای به‌منظور گسترش نفوذ در حوزه آکو زمینه‌ساز انزوای هرچه بیشتر جمهوری اسلامی در این منطقه و در نتیجه عدم دستیابی به اهداف ملی خواهد بود. به همین خاطر جمهوری اسلامی ایران به‌منظور مقابله با این چالش‌ها اقدام‌هایی در دو بعد فرهنگی و مذهبی انجام داده است.

۳-۱. فرهنگی: در این خصوص ایران تلاش کرده تا با برجسته کردن نمادهای فرهنگ ایرانی هم‌چون زبان فارسی و جشن نوروز، ضمن تقویت اشتراکات فرهنگی میان ایران و کشورهای حوزه آکو، از این عوامل در جهت گسترش نفوذ خود و هم‌چنین همکاری گسترده‌تر با آن‌ها استفاده کند. زبان فارسی یکی از مظاهر فرهنگ ایرانی است. از همین رو هر تلاشی به‌منظور گسترش فرهنگ ایرانی نیازمند استفاده از ظرفیت‌های زبان فارسی است. زبان عامل انتقال فرهنگ است، بنابراین شناساندن زبان یک کشور به مردم دیگر سرزمین‌ها، شرط اولیه برای انتقال فرهنگ آن کشور است (کشاورز شگری، ۱۳۹۲: ۲۵۵). در عین حال که گویش‌گران به زبان فارسی در جهان به طور کلی تنها در کشورهای ایران، افغانستان و تاجیکستان هستند و در برخی از کشورها نظیر عراق، ترکیه، ازبکستان و پاکستان گروهی از مردم به زبان فارسی سخن می‌گویند، ولی نباید از یاد برد که نفوذ زبان فارسی در پهنه جهانی غیر قابل انکار است. این زبان به آسانی در زبان‌های دیگر مانند ترکی، هندی، اردو، ارمنی، گرجی، سواحیلی و غیره نفوذ کرده است. در زمینه تقویت و گسترش زبان فارسی به غیر از پیشنهاد و اقدام در جهت ایجاد یک اتحادیه فارسی‌زبان که کشورهای تاجیکستان و افغانستان را نیز در بر می‌گیرد، ایران تلاش کرده تا از طریق اشاعه ادبیات فارسی در این کشورها زمینه‌های مشترک فرهنگی را بهبود

بخشد. در این خصوص برگزاری همایش‌های گوناگون قابل ذکر است. برای مثال همایش بزرگداشت حکیم ابوالقاسم فردوسی با حضور شاهنامه پژوهان، استادان و علاقه‌مندان به ادبیات فارسی که از سوی بنیاد فردوسی شاخه طوس و نهادهای فرهنگی شهرستان تایباد در تاجیکستان برگزار شد (www.qodsonline.ir). با تأمل در فرهنگ و ادبیات کشورهای آسیای میانه و قفقاز می‌توان به درستی دریافت که فردوسی از چه جایگاه خاصی در این کشورها حتی در کشورهای ترک زبان برخوردار است. چنانچه فردوسی در ازبکستان از جایگاهی ویژه برخوردار است و شاهنامه فردوسی در ازبکستان به زبان فارسی چاپ شده است (WWW.IRNA.IR).

از جمله دیگر نمادهای فرهنگ ایرانی جشن نوروز است. عید نوروز مهمترین جشنی است که از گذشته باستانی در فلات ایران باقی مانده است. جغرافیای نوروز با نام نوروز یا مشابه آن، سراسر خاورمیانه، بالکان، قزاقستان، تاتارستان، در آسیای میانه چین شرقی، سودان، زنگبار، در آسیای کوچک سراسر قفقاز تا آستراخان و نیز امریکای شمالی، هندوستان، پاکستان، بنگلادش، بوتان، نپال و تبت را شامل می‌شود (محمدمدی فومنی، ۱۳۸۹: ۷). ایران تلاش‌هایی به‌منظور ثبت جشن نوروز به‌عنوان میراث جهانی انجام داده است. در این راستا جشن نوروز با همکاری سه کشور ایران، افغانستان و تاجیکستان در نوروز ۱۳۸۷ در شهر دوشنبه و در نوروز ۱۳۸۸ در مزارشریف برگزار شد. در مهر ماه سال ۱۳۸۸ نوروز توسط یونسکو به‌عنوان میراث جهانی ثبت شد و نهایتاً مجمع عمومی سازمان ملل در نشست ۴ اسفند ۱۳۸۸، ۲۱ مارس را به‌عنوان عید نوروز، با ریشه ایرانی به رسمیت شناخت (www.farsnews.com).

۲-۳. مذهبی: با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، جمهوری تازه تأسیس همواره تلاش داشته تا ارزش‌های نمادین خود را حفظ و حتی المقدور در جهان گسترش دهد. اما وقوع جنگ تحمیلی از سوی عراق در ابتدای امر موجب بروز مشکلاتی در این امر گردید. پایان جنگ و به دنبال آن رحلت امام خمینی (ره) از یک سو و فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی که موجب استقلال کشورهای آسیای میانه و قفقاز شد از سوی دیگر موجبات تغییراتی در عملکرد سیاست خارجی ایران را به وجود آورد و در سال ۲۰۰۱ بود که کمال خرازی، وزیر امور خارجه وقت ایران، اعلام کرد که منطقه جزء اولویت‌های سیاست خارجی ایران است. اگرچه تا پیش از این زمان نیز جمهوری اسلامی فعالیت‌های ناچیزی

در این زمینه انجام داده بود که چندان قرین موفقیت نبود ولی از این زمان به بعد نگرانی ایران از تقویت و گسترش نفوذ اسلام سلفی (Peyrouse, 2014: 6) و اسلام میانه‌رو که کشورهای عربستان و ترکیه سردمدار آن بودند موجب می‌شد تا جمهوری اسلامی ایران تلاش کند تا به مقابله با گسترش نفوذ این رقبا در منطقه بپردازد. هم‌زمانی این تصمیم با حادثه ۱۱ سپتامبر که آگاهی در زمینه افراط‌گرایی سنی را افزایش داد و هم‌چنین حوادث تروریستی که توسط طرفداران احیای مذهبی وهابی صورت گرفته بود مانند حادثه بسلان در ۲۰۰۴ (Lisnyansky, 2008: 110) از یک سو، و سپس حمله امریکا و متحدانش در سال ۲۰۰۳ به عراق و سقوط رژیم صدام که به‌عنوان سپر حفاظت از جهان عرب در مقابل ایران محسوب می‌شد و هم‌چنین قدرت غالب شیعه به‌عنوان تعیین محور سیاسی آغازی برای ظهور منطقه‌ای شیعه تلقی می‌شد از سوی دیگر، و همراه شدن این وقایع با افزایش قیمت نفت و بهتر شدن اوضاع اقتصادی دولت در ایران (Dilek, 2015: 3) زمینه‌ساز تقویت حضور ایران در منطقه شد.

حدود هفتاد سال زندگی زیرسایه رژیمی که هرگونه تظاهرات مذهب را ممنوع می‌کرد موجب شد تا مسلمانان شوروی نسبت به مسائل مذهبی بی‌اطلاع و در نتیجه دچار بحران هویت شوند و این امر باعث شد تا بسیاری از آن‌ها در پی جستجو برای راهنمای مذهبی در خارج از کشورهای خود باشند (Lisnyansky, 2008 : 108). در این خصوص همان‌طور که در متن حاضر اشاره گردید علاوه بر جمهوری اسلامی ایران کشورهایی هم‌چون عربستان و ترکیه به تبلیغ در رابطه با ایدئولوژی خود پرداختند. منتهی با این تفاوت که ایدئولوژی اسلامی ایران علاوه بر انقلابی بودن مبتنی بر عقاید مذهب شیعه بود و به همین خاطر جمهوری اسلامی به‌منظور جلوگیری از گسترش ایدئولوژی کشورهای رقیب مبادرت به توسعه و تقویت ایدئولوژی شیعه کرد. علاوه بر اسماعیلیان که در تاجیکستان در ولایت بدخشان زندگی می‌کنند، منطقه هم‌چنین دارای یک اقلیت شیعه دوازده امامی است (Peyrouse and Ibraimov, 2010: 91). یک جماعت از شیعیان دوازده امامی در سمرقند و بخارا در ازبکستان زندگی می‌کنند که ریشه آن‌ها به شروع حاکمیت عباسیان در آسیای میانه بازمی‌گردد (Gaviev, 2000: 6). حدود ۲۰٪ از جمعیت پاکستان را نیز شیعیان تشکیل می‌دهند و متأسفانه از آغاز سال ۲۰۰۰ تاکنون حدود ۴۰۰۰ نفر از شیعیان در پاکستان کشته و نزدیک به ۶۸۰۰ نفر زخمی شده‌اند (Fair,

۲۰۱۴:۳). هم‌چنین از زمان انقلاب اسلامی ایران موج اسلامگرایی در ترکیه وجود داشته و مورد حمایت از سوی شیعیان ترکیه قرار گرفته است (Tremblay, 2015: 10). جمهوری آذربایجان نیز یکی از چهار کشور در جهان است که دارای اکثریت شیعه می‌باشد و حدود ۶۵٪ از جمعیت آن کشور را شیعیان تشکیل می‌دهند (Rovshenoglu and Balci 2013). این مهم یعنی حضور شیعیان حتی در اقلیت در تمامی کشورهای حوزه آکو و هم‌چنین همسایگی ایران با عراق که در حال حاضر بیش از هر زمان دیگری پایتخت مذهبی شیعه در جهان است و به خصوص این امر که رهبر شیعیان عراق نیز یک ایرانی (آیت الله سیستانی) می‌باشد (Magister, 2014: 5) زمینه مناسبی را برای ایران به‌منظور ترویج ایدئولوژی شیعه فراهم کرده است. به دنبال تأسیس دو سازمان مجمع جهانی اهل‌البیت و مجمع جهانی برای تقریب بین‌المذاهب (Lisnyansky, 2008: 112) با گذشت زمان فعالیت این سازمان‌ها به خارج از کشور نیز گسترش یافت. گسترش فعالیت این سازمان‌ها در حدی بوده که امروزه در روسیه نیز سازمان اهل‌البیت فعالیت دارد. در سال ۱۹۹۶ جامعه شیعه در روسیه افتتاح شد که اهل‌البیت نامیده می‌شد و توسط موسی قربانف سرپرستی می‌شد. تلاش‌های قربانف منجر به ایجاد دوازده حسینیه در مسکو شد (Lisnyansky, 2008: 112). اهمیت وجود چنین سازمانی در روسیه از این باب است که کشورهای تازه استقلال‌یافته شوروی هنوز نیز نیم‌نگاهی به روسیه دارند و بدیهی است که فعالیت این سازمان می‌تواند به این کشورها نیز سرایت کند. هم‌چنین حضور جمعیت بالایی از شیعیان در جمهوری آذربایجان موجب توجه بیشتر جمهوری اسلامی ایران در تبلیغ مذهب شیعه در این کشور بوده است. پس از استقلال ناتوانی در تعلیم روحانیون شیعه و هم‌چنین واعظان وطنی مستقل در آذربایجان موجب شد تا نگاه عموم مردم به دانش اسلامی در خارج از کشور متوجه شود. به همین خاطر با استقلال آذربایجان واعظان مذهبی از خارج از کشور به آذربایجان سرازیر شدند. ایران نیز در این رابطه از نفوذ زیادی برخوردار گردید. مسلمانان آذری شروع به همکاری با هم‌تایان خارجی خود کردند و برخی مانند حاج «علی اکرام» رئیس حزب اسلامی آذری مشتاقانه از اسلام سیاسی ایران استقبال کردند و تلاش کردند تا شیعیان را متقاعد به پذیرش شرایط سیاسی (ولایت فقیه) و معنوی (مرجع تقلید) رهبری ایران آیت الله خامنه‌ای نمایند. علیرغم موفقیت اولیه، در نهایت ایران نتوانست از موفقیت چندانی برخوردار باشد. پذیرش آموزه‌های

امام خمینی به معنای قبول برتری حاکمیت رهبران مذهبی ایران و در نتیجه به معنای گشایش اختلاف‌های شیعه و سنی بود که هر دو گزاره به طور گسترده زمینه نگرانی در جمهوری آذربایجان را فراهم می‌کرد. این امر به همراه سیاست ایلچی بیک در دعوت از سازمان‌های مذهبی ترکیه به منظور ترویج اسلام سکولار در آذربایجان موجب عدم موفقیت ایران در این زمینه شد. از اقدام‌های بعدی جمهوری اسلامی ایران ارتقاء آیت الله «فاضل لنکرانی» به عنوان مرجع تقلید در سنگر شیعه در جنوب آذربایجان بود. شهرت او به عنوان یک محقق بزرگ از این واقعیت نشأت می‌گرفت که اجداد او از جنوب آذربایجان بودند. او عملاً، تنها رهبر معنوی شیعیان در جنوب آذربایجان شد. با مرگ آیت الله فاضل لنکرانی در سال ۲۰۰۷ بسیاری از پیروان او به سمت دیگر رهبران در ایران مانند آیت الله خامنه‌ای و آیت الله «مکارم شیرازی» متمایل شدند. هم‌چنین واعظ اجاق نجت^۱ که سال‌ها پیش توسط دولت آذربایجان دستگیر و اخراج شده بود دوباره امامت نماز جمعه در باکو را از سر گرفته ولی بیشتر مخاطبان او به جای ایرانیان، آذری‌ها هستند (Goyushov, 2009: 69-75). به هر حال، بهبود تدریجی روابط رسمی مذهبی پس از ۲۰۱۲ نشان می‌دهد که باکو حدقل به ایران به عنوان یک شریک لازم به منظور دستیابی به برخی اهداف استراتژیک داخلی و اهداف ژئوپلتیک در زمینه مذهب می‌نگرد. آذربایجان به منظور آرام نگاه داشتن حوزه شیعه در داخل نیازمند همکاری مذهبی با ایران است (Liles, 2014: 3).

و نهایتاً اینکه جمهوری اسلامی تلاش کرده تا از طریق کمک‌های انسان دوستانه و خیریه حیطة نفوذ خود در این منطقه را افزایش دهد. ده‌ها هزار خیریه ایرانی، با عنوان کمیته امداد امام خمینی، در پی گسترش نفوذ ایران هستند که به اموری مانند کمک به سالمندان و بی‌نویان و تأمین غذا، دارو، سوخت و رختخواب برای آن‌ها مشغول هستند. هم‌چنین ازدواج‌های جمعی برای زوج‌هایی که توانایی تأمین مخارج ازدواج را ندارند ترتیب می‌دهند. در آذربایجان، نه تنها در باکو بلکه در ایالات لنکران، گنجه و گوچای نیز از این امر استفاده شده است (Rubin, 2012:7).

نتیجه‌گیری

به نظر می‌رسد بهترین راهکار به‌منظور توسعه نفوذ و کسب وجهه برتر منطقه‌ای همکاری با کشورهای حوزه اکو باشد و در این رابطه عضویت فعال ایران در سازمان همکاری اقتصادی می‌تواند کمک شایان توجهی در این امر باشد. بر این اساس جمهوری اسلامی ایران باید به‌منظور مقابله با این چالش‌ها بیشتر بر اشتراک‌ها و مشابهت‌های فرهنگی و تمدنی که با کشورهای حوزه اکو دارد تکیه کند. استفاده از قدرت نرم‌افزاری در دنیای امروز که عصر ارتباطات می‌باشد از تأثیر بیش‌تری برخوردار خواهد بود.

بر این اساس ایران می‌تواند با تشکیل بنیادی با عنوان هلال تمدنی - فرهنگی اقدام‌های خیریه و فرهنگی را که هم‌اکنون در بعضی از کشورهای حوزه اکو به انجام می‌رساند در پوشش این نهاد که تحت پوشش سازمان اکو قرار خواهد گرفت، عملی کند. بدیهی است که ایران در صورت دعوت دیگر کشورها که در این حوزه قرار ندارند ولی اشتراکات تمدنی - فرهنگی با ایران دارند می‌تواند به دستاوردهای زیر دست پیدا کند: ۱- قرار گرفتن کمک‌های خیریه و فرهنگی تحت این پوشش حساسیت کشورهای

دیگر در این زمینه که ایران به دنبال صدور انقلاب اسلامی از این طریق است را کاهش خواهد داد زیرا کمک‌های قبلی تحت عنوان کمیته امداد امام خمینی صورت پذیرفته که مسلماً تداعی‌کننده انقلاب اسلامی ایران است که در جهان با نام امام خمینی (ره) شناخته شده است. زمانی که این کمک‌ها تحت پوشش بنیادی با این عنوان و به صورت جمعی صورت پذیرد از حساسیت‌ها در این رابطه کاسته خواهد شد.

۲- ایران می‌تواند با دعوت عضویت کشورهای چینی، گرجستان، چین و هند که اشتراکات تمدنی و فرهنگی با ما دارند ضمن گسترش حوزه فعالیت اکو به نزدیک شدن روابط با کشورهای بیش‌تری کمک کرده و از تلاش‌های کشورهای غربی و کشورهای حوزه خلیج فارس به‌منظور انزوای ایران ممانعت به عمل آورد. *

منابع فارسی

آلیسون، روی و جانسون، لنا. (۱۳۸۹). *امنیت در آسیای مرکزی: چارچوب نوین بین‌المللی* ترجمه محمد رضا دبیری، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.

احمدی، حمید (۱۳۸۸) «ترکیه، پان‌ترکیسم و آسیای مرکزی»، *فصلنامه اوراسیای مرکزی مرکز مطالعات عالی بین‌المللی*، ۲ (۵)، صص ۲۳-۱.

اسماعیلی، حمیدرضا. (۱۳۸۶). *القاعده از پندار تا پدیدار* تهران: مؤسسه مطالعات اندیشه سازان نور. اطهری، اسدالله و مشهدیان، بابک (۱۳۹۱)، «سیاست خارجی آمریکا در برابر برنامه هسته ای ایران: تأملی از پنجره واقع‌گرایی ته‌اجمهی» *فصلنامه مطالعات منطقه‌ای: امریکا شناسی - اسرائیل شناسی*، ۱۳ (۴)، صص ۳۸-۱.

الرشید، مضوی (۱۳۹۳). *عربستان سعودی و جریان‌های اسلامی جدید*، ترجمه رضا نجف زاده، تهران: پژوهشگاه هنر، فرهنگ و ارتباطات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

امیدی، علی (۱۳۸۵) «تأثیر ژئوپلیتیک در رخوت هم‌گرایی اکو و بالندگی آ. سه. آن»، *فصلنامه ژئوپلیتیک* شماره ۳، بهار صص ۱۵۷-۱۲۲.

امیراحمدیان، بهرام (۱۳۸۴). *روابط ایران و جمهوری آذربایجان: نگاه آذری‌ها به ایران*، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.

ایزدی، جهانبخش و رحیمی، سامان (۱۳۸۹) «تلاقی منافع سیاسی جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا در آسیای مرکزی و قفقاز پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱» *فصلنامه رهنامه سیاستگذاری سیاسی، دفاعی و امنیتی*، ۱ (۲) صص ۹۵-۷۰.

برزگر، کیهان و قاسمی، مهدی (۱۳۹۲) «استراتژی تهدید وجودی اسرائیل و امنیت ملی ایران»، *فصلنامه*

روابط خارجی، ۵ (۱)، صص ۱۶۹-۱۹۷.

بتی، رابی و برانسون، راشل (۱۳۸۰) «شانه‌های میهم ناتو در قفقاز و آسیای مرکزی» *فصلنامه مطالعات*

آسیای مرکزی و قفقاز، ترجمه شهرام فرسای، (۳۳) صص ۱۳۹-۱۰۹.

ارس، بولنت. (۱۳۷۸). استراتژی اسرائیل در جمهوری آذربایجان و آسیای مرکزی، *فصلنامه مطالعات*

خاورمیانه، (۲۰). بازیابی شده از: <http://www.haqqyolu.com/fa/articles/view/4752/553/>

(دسترسی ۱۳۹۴.۳۰ اردیبهشت).

پسندیده، سمیه. (۱۳۹۰). *بررسی چرایی و چگونگی نفوذ تدریجی اسرائیل در منطقه آسیای مرکزی*. مرکز

بین‌المللی مطالعات صلح، بازیابی شده از: <http://peace-ipsc.org/fa/?s=x&1390=y&769>

(مهر ۱۳۹۰، ۲۵، ۹۵-۷۶۹)

تیشه یار، ماندانا (۱۳۸۸) «بررسی سیاست‌های ناتو در منطقه اوراسیا بر اساس نظریه برساخته‌گرایی»

مطالعات اوراسیای مرکزی، مرکز مطالعات عالی بین‌المللی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی،

۲ (۴)، صص ۶۲-۴۳.

حسین خانی، نورالله. (۱۳۸۴). *روابط سیاسی ایران با کشورهای همسایه*، چاپ دوم، تهران: انتشارات مسعی

- دلاورپوراقدم، مصطفی. (۱۳۸۹). *امنیت نرم و منافع ملی جمهوری اسلامی ایران*، تهران: مجلس شورای

اسلامی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.

- دیکایا، محمد (۱۳۷۹) «بازی بزرگ جدید در آسیای مرکزی: ترکیه، روسیه و ایران»، *فصلنامه مطالعات*

آسیای مرکزی و قفقاز، ترجمه باغبان کندی، (۳۰)، صص ۱۶۴-۱۳۹.

زارعی، بهادر. (۱۳۸۸). *نگرشی بر سیاست خارجی ایران در مناطق ژئوپلیتیکی خزر و آسیای جنوبی*،

تهران: انتشارات بهمن برنا.

سجادپور، سیدمحمدکاظم و کریمی قهرودی، مانده (۱۳۹۰) «رقابت هسته‌ای هند و پاکستان و پیامدهای

آن برای امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، ۱۴ (۴)، صص

۲۶۰-۲۲۷.

سیف‌الدین ارول، محمد (۱۳۸۳) «سیاست آمریکا در آسیای مرکزی و اوراسیا: مبارزه قدرت و تغییرات

احتمالی در ساختار سیاسی آسیای مرکزی»، در دهمین همایش بین‌المللی آسیای مرکزی

و قفقاز، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.

- عطایی، فرهاد (۱۳۷۹) «رقابت در منطقه، بررسی سیاست‌های ایران و ترکیه»، *فصلنامه مطالعات راهبردی*،

۳ (۳)، صص ۴۸-۶۰.

عطایی، فرهاد و دیگران (۱۳۹۰) «سیاست خارجی دولت عدالت و توسعه ترکیه در منطقه قفقاز جنوبی»،
فصلنامه راهبرد، ۲۱ (۶۳)، صص ۳۷-۶۶.

- عزیزاده، امیر (۱۳۸۸) «مطالعه سیاست خارجی در سند چشم انداز جمهوری اسلامی ایران در افق
۱۴۰۴»، *راهبرد یاس* (۱۹)، صص ۲۷۶-۲۸۱.

- فرزین نیا، زیبا (۱۳۸۳). *سیاست خارجی پاکستان: تغییر و تحول*، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین
المللی

قادری حاجت، مصطفی و نصرتی، حمیدرضا (۱۳۹۱) «اهداف ژئوپلیتیکی قدرت‌های منطقه‌ای و فرمانطقه
ای در آسیای مرکزی»، *فصلنامه ژئوپلیتیک*، ۸ (۲)، صص ۷۰-۹۱.

- کشاورز شکری، عباس (۱۳۹۲). *فرصت‌ها و چالش‌های فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در منطقه
خاورمیانه*، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق

گوس، اف گریگوری (۱۳۹۰) «سیاست خارجی عربستان سعودی»، در کتاب *سیاست خارجی کشورهای
خاورمیانه*، تألیف از ریموند هینه بوش و انوشیروان احتشامی ترجمه رحمن قرمان پور و
مرتضی مساح، تهران انتشارات دانشگاه امام صادق

لاندو، جیکوب (۱۳۸۲). *پان ترکیسم یک قرن در تکاپوی الحاق‌گری*، ترجمه حمید احمدی تهران:
نشرنی

متقی، افشین (۱۳۹۲). *حضور اسرائیل در قفقاز و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران*، مرکز
مطالعات صلح، بازیابی شده از <http://peace-ipsc.org/fa/?s=%D9%85%D8%AA%D9%82%DB%8C+1392&x=5&y=2>
(۱۳۹۳، ۳۰ اردیبهشت).

محمدی فومنی، حسین (۱۳۸۹). *نوروز در کشورهای همسایه و جهان*، بازیابی شده از: www.tabnak.ir/fa/news/152962، ۲ خرداد.

مسعودنیا، حسین (۱۳۹۰) «عوامل مؤثر در تکوین و رشد بنیادگرایی در پاکستان» *فصلنامه مطالعات شبه
قاره* دانشگاه سیستان و بلوچستان، ۳ (۸)، صص ۱۱۶-۸۳.

- مشیرزاده، حمیرا و مصباح، احسان (۱۳۹۰) «موضوع اسرائیل در گفتمان سیاست خارجی جمهوری
اسلامی ایران» *فصلنامه روابط خارجی*، ۳ (۱)، صص ۲۵۷-۲۳۵.

ملازهی، پیرمحمد (۱۳۸۴) «فرصت‌ها و تهدیدهای امنیتی فرسوی جمهوری اسلامی ایران در نگرش به
موضوع افغانستان» در کتاب *امنیت بین الملل*، گردآوری علی عبد الله خانی، تهران: موسسه

فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر.

میرمحمدی، سیدرضا. (۱۳۹۲). *ایران هراسی و حضور روبه افزایش اسرائیل در جمهوری‌های*

آسیای مرکزی و قفقاز، مرکز مطالعات صلح، بازیابی شده از: <http://peace-ipsc.org/>

، fa/?s=+1392&x=-769&y=-95 (۱۳۹۳، ۱۵ تیر).

نظرپور، داوود و موسوی، احمد (۱۳۹۲) «روابط ترکیه- امریکا در دههه قرن ۲۱ میلادی (تحول در

الگوهای سنتی)» *فصلنامه مطالعات منطقه ای: امریکا شناسی- اسرائیل شناسی*، ۱۴(۲)،

صص ۶۹-۹۲.

یاسری، ابوذر. (۱۳۸۷). *رژیم اسرائیل و جمهوری اسلامی ایران: تعارض هویت و منافع ملی*، تهران:

پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.

منابع انگلیسی

Ahrari, Mohammad E and Beal, James (1996) , *The new Great Game in Muslim Central Asia*, Available at: <http://book.google.com/books?id=rd-ocf-m4uec&pg> (Accessed on Feb26).

Ataee, Farhad (2000), Iran and Turkey in Post-Soviet Central Asia, *Discourse: An Iranian Quarterly*, vol 2, no1 Summer 147-170.

Balcer, Adam (2013), Between Energy And Soft Pan-Turkism: Turkey And The Turkic Republics, *Turkish Policy Quarterly*, vol 11, N 2 .

Bengio, Ofra (2012), Are Iraq and Turkey Models for Democratization? *Middle East Quarterly* summer No 2.

Cornell, Svante E (2006), *The Politicization of Islam in Azerbaijan*, Available at www.silkroadstudies.org/2006-10-SRP-cornell-islam-Azerbaijan.pdf, (accessed on 2013 August 4).

Dilek, Kaan (2015), *Affect of The Shia With The Geopolitics And Iran For Turkey's Relations* , Available at: www.impr.org.tr/en/affect-of-the-shia-geopolitics-and-iran-for-turkeys-relations-with-the-arab-world/ (Accessed on 2014 June).

Efegil, Ertan (2008), *Turkish AK Party,s Central Asia and Caucasus Policies: Critiques and Suggestion* , Available at: www.cria-online.org/4-6/html (Accessed on 2014, December 5).

Frappi, Carlo (2013), *Central Asia,s Place in Turkey,s Foreign Policy*, Available at: www.ispionline.it/sites/default/files/./analysis_225_2013.pdf (Accessed on 2014, May 21).

Iran, Arab League in Central Asia and Caucasus (2014), Available at www.irna.ir/irna-Arab-League-in-central-asia (Accessed on 2015, August 14).

Gaziev, Jamshid (2000), Islamic Revival in Post – Independence in Uzbekistan, *Praxis The Fletcher Journal of Development Studies*, vol, xvl ,pp 1-15.

Goyushov, Altay (2009) Islamic Rivival in Azerbaijan , *Current Trends in Islamist Ideology*, vol 7, PP 66-81 .

- Leghari, Faryal (2014), *Better Iran- Pakistan Relations in The Pipeline*, Available at: <http://gulfnews.com/news/world/pakistan/better-iran:pakistan-relations-in-the-pipeline-1.1331107> (Accessed on 2015, November 8).
- Liles, Thomas (2014), *Azerbaijan and Iran Find common Cause*, Available at: www.tol.org.client/article/24587-azerbaijan-and-iran-find-common-cause, (Accessed on 2015, June 13).
- Lisnyyansky, Dina (2008), Tashayu (Conversion to Shiism) in Central Asia and Russia, *Current Trends in Islamist Ideology*, vol 8, PP 105-112.
- Magister, sandro (2014), *From Lebanon to Central Asia, The Rise of Shia Muslim*, Available at www.chiesa.espresso.repubblica.it/articolo/765412eng=y, (accessed on 2015, July 2).
- Peyrous, Sebastian and Ibrahimove, Sadykzhan (2010), Iran's Central Asia Temptations, *Current Trend in Islamist Ideology*, vol 10, PP 87-101.
- Peyrous, Sebastian (2014) *Iran's Growing Role in Central Asia? Geopolitical Economic And Political Profit and Loss Account*, Available at: www.studies.aljazeera.net/en/dossiers/2014/04/2014416940377354.hmi (Accessed On 2014, March 7).
- Rovshenoghlu, Kenan and Balcia, Bayram (2013), *Syria, Azerbaijan And The Sunni-Shia Divide*, Available at: www.theglobalist.com/syria-azerbaijan-sunni-shia-divide/, (Accessed on 2014, Desember 6).
- Rubin, Michael (2012), *Iranian Influence in the South Caucasus and the Surrounding Region*, Available At: www.aie.org./2012./iranian-influence-in-the-south-caucasusand-the-surrunding-152523983079.pdf (Accessed on 2014, August 1).
- Saghafi Ameri, Nasser (2009) *Iranian Foreign Policy : Concurrence of Ideology and Pragmatism, at The Iranian Revolution at 30*, available at: www.mideasti.org (Accessed on 2014, April 9).
- Tadjbakhsh, Shahrbanou (2013), *The Persian Gulf and Afghanistan: Iran and Saudi Arabia's Rivalry Projected* Available at: http://commons.wikimedia.org/wiki/file:cairostreet_Persian_Gulf.jpg (Accessed on 2015, June 5).
- www.IRNA.ir/fa/news/46838/308276581390 کد خبر
- www.qodsonline.ir/nsite/fullstory/news/?id=209610
- Wheeler, Thomas (2013), Turkey's Role and Interest in Central Asia, Available at: www.sarerworld.org.uk./turkeys-Role-and-interests-in-central-asia-pdf (Accessed on 2014, July 10).

